

گرامی باد اول ماه مه

اول ماه مه هر سال در حقیقت معیار سنجش عملکردها، فراز و فرودها، دست‌آوردها و شکست‌ها و سرانجام جمع‌بندی حرکت جنبش کارگری را نشان داده و برای یک سال آینده عرض اندام طبقاتی کارگران را رقم می‌زند.

طبقه ما بعد از سی سال، سالی را پشت سر نهاد که تمامیت جامعه، کلیت حاکمیت رژیم جنایت کار جمهوری اسلامی را به چالش گرفته است. اما طبقه کارگر به دلایل آشکار از دخالت عملی و مستقل در این بحران حاکمیت طبقاتی از دگرگونی مناسبات حاکم بسیار فاصله داشت، نه به این خاطر که با ذات و خصلت منفی "استبداد مضاعف" (استبداد دینی - فراطبقاتی و دولت مسند سرمایه) جمهوری اسلامی آشنا نیست. تخریب طبقاتی از جانب رژیم و ناآمدگی در خودسازمان‌یابی مهم‌ترین عوامل بازدارنده دخالت‌گری طبقه ماست. نمی‌توان عامل سرکوب را دست‌انویز قرار داد. زیر شدیدترین دیکتاتوری‌ها نیز طبقه کارگر نشان داده است که قادر به خودسازمان‌یابی و پیشبرد مبارزه است. طبقه کارگر تحت هیچ شرایطی مجاز نیست خود را از حرکت‌های اجتماعی جدا نماید؛ ممکن است به‌عنوان طبقه‌ای مستقل در آن حرکت حضور نداشته باشد، اما به‌مثابه انرژی عظیم انسانی مراتب عملی همان حرکت را تشکیل خواهد داد. پس چرا نتواند با بسیج طبقاتی و فعالیت دائمی، خود را از رهبری اجتماعی جدا نماید.

بی‌تردید کارگران تضادهای ذاتی را هر لحظه در زندگی عملی - اجتماعی خویش حس می‌کنند؛ اما آن تضاد را نمی‌توان با توسل به نیروی بیرونی که اینک در چهره "خیزش سبز" رخ نموده است رفع نمود. چالش و جدال طبقاتی و عملی خود ما تنها مصادف حل آن تضادها است، اگر به‌واقع ما اضطراب نان و سرپناهی برای خود و خانوار خویش نداشتیم، اگر انسان آزادی‌بودیم، مشکلی وجود نداشت؛ نه "کاپیتال" نوشته می‌شد و نه اول ماه مه برای یادآوری اعتراض برگزار می‌گردید. اما مبارزه برای کسب آزادی و تأمین معیشت روزمرگی، خصلت منفی نظام سرمایه‌داری را برای‌مان آشکار می‌کند. هنگامی که مفهوم رهایی از کار دست‌مزدی را درک کنیم، هیچ مانعی برای مقابله با حرکت ما به‌سوی لغو استثمار نخواهد داشت. تنها به این دلیل که این مفهوم در ذهن ما به فعلیت درآمده است. این خصلت منفی نظام استثمار است که با مکیدن شیرهای جان‌مان، با ربودن ارزش نیروی کارمان، تمامی استعدادهای فردی‌مان را نابود و آگاهی‌مان را به نازل‌ترین سطح بلاهت به سقوط می‌کشانند؛ بردگی فکری را بر ما تحمیل می‌نمایند. اما عناصر مثبتی نیز در تحمیل این شرایط بر ما پدیدار شده است که تاکنون در هیچ طبقه‌ای نمایان نبوده و آن یگانگی نیروی خلاقانه عظیمی است که به ناچار در برابر نظم سرمایه‌داری آشکار گشته و آن را به چالش می‌گیرد تا برای همیشه کار بیگانه شده را در تمامی طول تاریخ باستان تاکنون رها نماید، اختیار انسان را به خود بازگرداند.

برای رسیدن به آن، نخست درک ذات کار به‌عنوان ذات انسانی از طریق عمل جمعی است، حرکت فردی و عمل پراکنده هیچ‌گاه موانع مترام و متمرکز نظام سرمایه‌داری را جابه‌جا نخواهد کرد. در همبستگی طبقاتی و خودفعلیتی به تحقق تمامی توانمندی‌های انسانی خویش نایل خواهیم آمد. آگاهانه به قلمرویی پای خواهیم گذاشت که تاکنون برای‌مان جهان ممنوعه و قلمرو کور بوده است، جهان سوسیالیسم.

منتظر روز موعود نباشیم! هیچ‌گاه آن روز فرا نخواهد رسید که طبقات دیگر دست روی دست بگذارند تا ما کاری بکنیم. طبقه در برابر طبقه ایستاده است. این را سرمایه‌داری بخوبی می‌داند. سرمایه‌داری دام‌های بسیاری را با دست خودمان بر سر رامان چیده است؛ دوران ما دورانی است که نه تنها با ایدئولوژی‌ها به‌عنوان آگاهی کاذب. تحمیل شونده مواجه هستیم، بلکه زیر بار انواع کمونیسم‌های متعفن نیز دانش مبارزاتی ما به آلودگی تهدید می‌شود. رهایی‌افت خردمندانه فقط خوداندیشی، خودفعلیتی و خودسازمان‌یابی می‌باشد.

یک عمر کار می‌کنیم، تازه اگر اضطراب بیکاری، اخراج و از کار افتادگی نداشته باشیم، یک عمر حاصل نیروی کارمان به عنوان سود به جیب سرمایه‌داران ریخته می‌شود، کودکان‌مان به کار بردگی برده می‌شوند، نیروی کار زنده‌مان به عنوان کار مرده به سرمایه تبدیل می‌گردد، اما دست‌های نامرئی بازار، گرانی و تورم، فقر و بیماری نیروی حیاتی‌مان را به کام خود می‌کشند. آیا این سرنوشت ما است که در مقابل آن سر فرود آوریم؟ در درون سازمان‌های شغلی (سندیکا) که با آن تنظیمات روزانه کار تکرار می‌گردد، کارگر به ماهیت کار نمی‌اندیشد، جهان پیرامون رسوخ ناپذیر می‌نماید. در چارچوب این نظام، کارگر به عنوان یک عامل اقتصادی جلوه می‌کند و هر چیزی حتماً خود کارگر نیز همچون دستگاه و ابزار کار می‌بایستی همواره به یک مناسبات فایده‌مند دگر‌دیده شود. کارگر در چنین سازمانی درگیر عملی است که فقط نیازمندی‌های خود را برآورده و برطرف می‌نماید. در برابر فجایع هلاکت‌باری که سرمایه و بازار برای‌مان می‌آفریند، این سازمان‌ها کافی نیستند. سرمایه‌داران با قدرت سیاسی - اجتماعی به مقابله‌مان می‌آیند. دیرزمانی است طبقه ما پی برده است: تمامی ثروتی که از ارزش مثبتی بر کار به وجود می‌آید، حاصل نیروی کار ما است؛ از همین جاست که این مناسبات، انقلابی را در اندیشه طبقه کارگر ایجاد می‌کند. عمل این اندیشه، کار انقلابی است. سوسیالیسم نتیجه‌ی عمل طبقاتی ما است.

زنده باد انقلاب

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
رهایی انسان حاصل تداوم جنبش سوسیالیستی است
گسترده باد همبستگی بین‌المللی کارگران
برقرار باد سوسیالیسم